

Comparative Study of Criminality in the Problem of Multiplicity of Causes in the Field of Criminal Responsibility of Iran and England

Adel Nahvi¹, Ali Ghorbani^{2*}, Asghar Abbasi³

1. Ph.D. Student, Department of Criminal Law and Criminology, Chalus Branch, Islamic Azad University, Chalus, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Law, Chalus Branch, Islamic Azad University, Chalus, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Law, Chalus Branch, Islamic Azad University, Chalus, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 549-566

Article history:

Received: 29 Apr 2023

Edition: 9 Jul 2023

Accepted: 27 Aug 2023

Published online: 7 Oct 2023

Keywords:

Criminality, Multiplicity of Causes, Criminal Responsibility, Longitudinal Multiple Causes, Transverse Multiple Causes.

Corresponding Author:

Ali GHorbani

Address:

Iran, Chalus, Islamic Azad University, Chalus Branch, Department of Law.

Orchid Code:

0009-0008-3426-625x

Tel:

09122169458

Email:

agt1350@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: Criminality in multiplicity of causes has always been a subject of discussion and disagreement. The aim of this article is to compare the issue of multiplicity of causes in the field of criminal responsibility of Iran and England.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used in collecting materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are respected.

Findings: In Iranian criminal law, in case of sharing of causes, there is equality in criminal responsibility, and if the degree of influence is different, each of the factors will be responsible according to the degree of influence of their behavior in the crime. In multiple longitudinal causes, the primary cause is the effect of the guarantor, and in multiple transverse causes, equality prevails in the guarantee. In English criminal law, in case of sharing, based on the necessary condition theory, equality of causes prevails. In the multiplicity of causes, the external cause is the dominant one.

Conclusion: In both Iranian criminal law and British criminal law, the basis for determining criminality is customary reference and relative guarantee, and based on this rule, the person responsible for the crime and the amount of responsibility is determined.

Cite this article as:

Nahvi A, Ghorbani A, Abbasi A. *Comparative Study of Criminality in the Problem of Multiplicity of Causes in the Field of Criminal Responsibility of Iran and England. Economic Jurisprudence Studies. 2023.*

دوره پنجم، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۲

مطالعه تطبیقی مجرمیت در مسئله تعدد اسباب در قلمرو مسئولیت کیفری ایران و انگلستان

عادل نحوی^۱، علی قربانی^{۲*}، اصغر عباسی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: مجرمیت در تعدد اسباب همواره از موضوعات مورد بحث و محل اختلاف نظر بوده است. هدف مقاله حاضر بررسی تطبیقی مسئله تعدد اسباب در قلمرو مسئولیت کیفری ایران و انگلستان است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: در حقوق کیفری ایران، در صورت اشتراک در اسباب، تساوی در مسئولیت کیفری برقرار است و اگر میزان تأثیر متفاوت باشد، هر یک از عوامل به میزان تأثیر رفتارشان در جنایت، مسئولیت خواهند داشت. در اسباب متعدد طولی سبب مقدم در تأثیر ضامن است و در اسباب متعدد عرضی تساوی در ضمان حاکم است. در حقوق کیفری انگلستان نیز در صورت اشتراک، بر مبنای نظریه شرط ضروری، برابری اسباب حاکم است. اما در تعدد اسباب دلیل خارجی مداخله‌گر حاکم است.

نتیجه: هم در حقوق کیفری ایران و هم در حقوق کیفری انگلستان برای تعیین مجرمیت استناد عرفی و ضمان نسبی مبنا است که بر اساس این ضابطه، مسئول جنایت و میزان مسئولیت تعیین می‌شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۵۶۶-۵۴۹

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۹

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۴/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵

واژگان کلیدی:

مجرمیت، تعدد اسباب، مسئولیت کیفری، اسباب متعدد طولی، اسباب متعدد عرضی.

نویسنده مسئول:

علی قربانی

آدرس پستی:

ایران، چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس، گروه حقوق.

کد ارکید:

0009-0008-3426-625x

تلفن:

۰۹۱۲۲۱۶۹۴۵۸

پست الکترونیک:

agt1350@gmail.com

۱. مقدمه

انسان به جهت اقتضائات زندگی اجتماعی دارای مسئولیت‌های مختلفی در جامعه است؛ ولی اهم مباحث حقوقی پیرامون دو مسئولیت مدنی و کیفری متمرکز است. اگرچه احراز رابطه سببیت ملازمه با مسئولیت کیفری ندارد و باید سایر شرایط ایجابی و سلبی مسئولیت (مانند عقل و بلوغ و اختیار) نیز مورد توجه قرار گیرد؛ اما فقدان آن اصولاً به‌منزله نبود مسئولیت کیفری است. با احراز رابطه میان رفتار مرتکب و نتیجه حاصل، چیزی بیشتر از رکن مادی جرم اثبات نمی‌شود و ملاحظات عنصر معنوی و مسئولیت باید جداگانه مورد توجه قرار گیرند. تعدد مباشر و سبب در بحث رابطه سببیت مطرح می‌شود. قواعد تسبیب یکی از پیچیده‌ترین و درعین حال مهم‌ترین و پرکارترین قواعد حقوقی و ناظر بر تعیین مسئول در خسارت‌های مالی و جانی است. بنابراین موضوع رابطه استناد به‌ویژه از آن جهت که حکم وضعی ضمان در حقوق جزا و حقوق مدنی متوقف بر آن است در همه نظام‌های حقوقی واجد اهمیت اساسی است. ضابطه در احراز این رابطه از موضوعات پیچیده است که طرح نظریات متغیری را در مطالعات فقهی و حقوقی موجب شده است. موضوع رابطه استناد، به‌ویژه از آن‌رو که حکم وضعی ضمان در حقوق جزا و حقوق مدنی متوقف بر آن است، در همه نظام‌های حقوقی واجد اهمیت اساسی است. ضابطه در احراز این رابطه از موضوعات پیچیده‌ای است که طرح نظریات متغیری را در مطالعات فقهی و حقوق عرفی موجب شده است. احراز رابطه سببیت در مواردی که رفتاری علت تام جنایت باشد، به‌طور معمول، با مشکلی مواجه نیست؛ مانند وقوع قتل بر اثر شلیک اسلحه؛ اما مشکل آن‌گاه

رخ می‌نماید که علل و اسباب گوناگونی در وقوع جنایت از دور یا نزدیک تأثیرگذار باشند. در خصوص مسئولیت کیفری در حقوق کیفری ایران و انگلیس به‌صورت تطبیقی، پژوهش‌های متعددی انجام شده است. مهرا و نوروزی (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای، سیاست‌گذاری ارکان مسئولیت کیفری در حقوق ایران و انگلستان با نگرشی بر نظرات امام خمینی (س) و دیگر فقها را بررسی کرده‌اند. سورانی (۱۳۹۸) نیز در مقاله‌ای، مسئولیت کیفری مستقیم و نیابتی اشخاص حقوقی در نظام حقوقی ایران و انگلستان را به‌صورت تطبیقی بررسی کرده است. هم‌چنین فروتن و راستایی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای، مسئولیت کیفری سبب اقوی از مباشر در حقوق کیفری ایران و انگلستان را بررسی کرده‌اند. تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های یادشده این است که در مقاله حاضر تلاش شده است تا مجرمیت در مسئله تعدد اسباب در قلمرو مسئولیت کیفری ایران و انگلستان بررسی شود. پرسش مقاله بدین‌شکل قابل طرح است که در مسئله تعدد اسباب در قلمرو مسئولیت کیفری ایران در مقایسه با حقوق انگلستان مجرمیت چگونه قابل استناد است؟ به-منظور بررسی این سؤال، ابتدا، مجرمیت در تعدد اسباب در حقوق کیفری ایران و سپس در حقوق کیفری انگلستان بررسی شده است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

در حقوق کیفری ایران، در صورت اشتراک در اسباب، تساوی در مسئولیت کیفری برقرار است و اگر میزان تأثیر متفاوت باشد، هر یک از عوامل به میزان تأثیر رفتارشان در جنایت، مسئولیت خواهند داشت. در اسباب متعدد طولی سبب مقدم در تأثیر ضامن است و در اسباب متعدد عرضی تساوی در ضمان حاکم است. در حقوق کیفری انگلستان نیز در صورت اشتراک، بر مبنای نظریه شرط ضروری، برابری اسباب حاکم است. در تعدد اسباب اما دلیل خارجی مداخله‌گر حاکم است.

۵. بحث

در این قسمت مفاهیم و یافته‌ها مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۱. مجرمیت در تعدد اسباب در حقوق کیفری

ایران

در ادامه مبحث مجرمیت در تعدد اسباب در حقوق کیفری شرح داده می‌شود.

۵-۱-۱. مجرمیت در اشتراک اسباب

در حدوث خسارت عوامل متعددی به‌صورت مباشر یا سبب نقش دارند. در مواردی که سبب خاصی در وقوع یک حادثه نقش مؤثری داشته باشد، همان سبب ضامن خواهد بود و اگر اسباب متعدد به‌طور مساوی و در عرض هم اثر کنند، حالت اشتراک در تسبیب مطرح می‌شود و در ضمان مشترک خواهند بود؛ اما اگر اسباب، متعدد و در طول هم اثر کنند، اجتماع اسباب مطرح می‌شود. با توجه به ماده ۳۳ ق.م.ا. ۱۳۹۲: «هرگاه دو یا چند نفر به‌نحو شرکت وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند، به‌طوری که آن جنایت یا خسارت بر دو یا همگی مستند باشد، به‌طور مساوی ضامن می‌باشند». در این ماده اشتراک اسباب را پذیرفته شده است. این ماده جایگزین ماده ۳۶۵ ق.م.ا. سابق شده است که می‌گفت: «هرگاه چند نفر باهم سبب آسیب یا خسارتی شوند، به‌طور تساوی عهده‌دار خسارت خواهند بود». اشتراک اسباب یکی از پرکاربردترین بحث‌هایی است که در رابطه سببیت مطرح می‌شود و پرونده‌های تصادفات راهنمایی رانندگی و تقصیرات ناشی از کار در این باب است. قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲ هم‌چنان به این قاعده پای-بند بوده است. «در این ماده برای جبران خسارت از معیار تساوی تبعیت نموده است. برابر این نظریه، مسئولیت باید به‌تساوی بین افراد مسئول تقسیم

شود و هر یک باید سهم مساوی در جبران خسارت داشته باشد. زیرا فرض این است که چند نفر در ایجاد یک حادثه و ایراد خسارت نقش داشته‌اند و ضرر ناشی از عمل مشترک آنان است و نباید مسئولیت مشترک را تجزیه کرد و این معیار با فقه اسلامی سازگار است» (صفایی و دیگران، ۱۳۹۶، ۵۲).

بر اساس این نظریه هر شرط ضروری برای تحقق صدمه علت قانونی آن به‌شمار می‌آید. این نظریه را نظریه برابری اسباب و شرایط هم گفته‌اند. به عبارت دیگر «نباید میان اسباب و شرایطی که زانی را به بار آورده است، امتیاز گذارد». هانوره، دانشمند شهیر انگلیسی در دایره‌المعارف حقوق تطبیقی این نظریه را «نظریه ضرورت» هم گفته است. بر اساس نظر ایشان: هر شرط ضروری که بدون آن صدمه رخ ندهد، علت آن صدمه است. این نظریه در میان بعضی از فقهای شیعه تحت عنوان «اشتراک در ضمان» پذیرفته شده است (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۳، ۱۴۷). از میان فقهای معاصر، خویی ضمان هر دو سبب را قاطعانه پذیرفته است و می‌گوید: «در فرض اجتماع اسباب هر دو یا چند عامل مداخله‌کننده ضامن هستند؛ زیرا وجهی برای ترجیح یکی بر دیگری نبوده و جنایت مستند به هر دو سبب است» (خویی، ۱۴۳۰، ج ۲، ۲۶۰).

این دیدگاه حاوی رویکرد کاملاً مادی‌گرایانه به قضیه علیت است و به این کیفیت در حقوق کیفری قابل اعمال نیست. هم‌چنین این رویکرد نقش قصد، علم، اراده و سایر اوصاف عرفی و اخلاقی رفتار را که عقل سلیم در قضاوت‌های علیتی خود مورد توجه قرار می‌دهد، نادیده گرفته است. در رویه قضایی به ماده ۳۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ استناد

نمی‌شود. اگر چند سبب در وقوع جنایت یا خسارتی تأثیر داشته باشند به کارشناس ارجاع داده خواهند شد و از معیار تناسب برای جبران خسارت بهره می‌برند. مثلاً اگر در پرونده تصادف چند سبب دخالت داشته باشند برای جبران خسارت، قضات به کارشناس مربوط ارجاع می‌دهند و با استفاده از معیار تناسب میزان خسارت را تعیین می‌کنند. بنابراین در رابطه با این قضیه باید قانون‌گذار همان‌گونه که معیار تناسب یا ضمان سهمی را در ماده ۵۲۶ ق.م.ا ۱۳۹۲ پذیرفته است در این ماده نیز مورد توجه قرار می‌داد که باعث تشتت آرا نشود.

۵-۱-۲. مجرمیت در تعدد اسباب

وقتی دو یا چند سبب در تحقق حادثه‌ای دخالت داشته باشند، تعدد اسباب مطرح می‌شود.

۵-۱-۲-۱. اجتماع اسباب به‌نحو طولی

اجتماع اسباب به‌نحو طولی یعنی اینکه سبب‌ها هم‌زمان تأثیر نکرده‌اند. یکی اثر کرده است و تمام شده است و سپس در زمان بعدی، دیگری اثر کرده است. ماده ۵۳۵ ق.م.ا ۱۳۹۳ در رابطه اجتماع اسباب و مبنای آن از نظریه فقه اسلامی سبب مقدم بر تأثیر نشئت گرفته است. طبق این ماده: «هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیر مجاز در وقوع جنایتی به‌نحو سبب و به‌صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است. مانند آنکه یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار

دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است؛ مگر آنکه قصد جنایات را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می‌شود. قانون‌گذار نظریه سبب مقدم در تأثیر را که از فقه اقتباس شده است مورد قبول قرار داده است. محتوای ماده ۵۳۵ قانون مجازات ۱۳۹۲ نیز در قانون سال ۱۳۷۰ در ماده ۳۶۴ مطرح شده بود که در ماده ۳۶۴ ق.م.ا. ۱۳۷۰ کلمه «عدواناً» آورده بود؛ ولی در قانون جدید «غیر مجاز» جایگزین آن قرار داده است و در ذیل ماده ۵۳۵ ق.م.ا. ۱۳۹۲ این را اضافه کرده است: «مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می‌شود». قانون‌گذار تا حدودی خواسته است این نظریه را تعدیل کند.

در ذیل ماده ۵۳۵ ق.م.ا. ۱۳۹۲ قانون‌گذار مشخص نکرده است باهم قصد تبانی دارند یا نه؟ فرضاً الف چاه می‌کند یا ب سنگ می‌گذارد که ج در داخل آن بیفتد، اگر این دو باهم تبانی کرده باشند که شخص ج در داخل چاه بیفتد در اینجا شرکت در جرم محسوب می‌شود؛ ولی اگر نه، فقط به تنهایی قصد کرده باشند که شخصی در آن بیفتد، آیا باز شرکت در جرم محسوب می‌شود. قانون‌گذار به صورت واضح مشخص نکرده است در صورتی هم که تبانی نکرده باشند باز می‌توان شرکت در جرم دانست.

و نظر سبب مقدم در تأثیر استثنای دیگری دارد که در ماده ۵۳۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲ مطرح شده است: «هرگاه در مورد ماده ۵۳۵ این قانون، عمل یکی از دو نفر غیر مجاز و عمل دیگری مجاز باشد مانند آنکه شخصی وسیله یا چیزی را در کنار معبر عمومی که

مجاز است، قرار دهد و دیگری کنار آن چاهی حفر کند که مجاز نیست، شخصی که عملش غیر مجاز بوده، ضامن است. اگر عمل شخصی پس از عمل نفر اول و با توجه به اینکه ایجاد آن سبب در کنار سبب اول موجب صدمه زدن به دیگران می‌شود انجام گرفته باشد، نفر دوم ضامن است». در ذیل ماده مذکور این بحث است که اگر الف که چاهی غیر مجاز حفر می‌کند و ب با آگاهی کنار این چاه سنگی قرار می‌دهد ب ضامن است یا برعکس. در این قضیه الف سنگی غیر مجاز قرار می‌دهد و ب چاهی غیر مجاز در کنار آن حفر می‌کند باز در اینجا ب ضامن است. قانون‌گذار در هر حالت از نظریه سبب مؤخر در تأثیر پیروی کرده است که با نظریات حقوق عرفی مطابقت دارد.

در ابتدای ماده ۵۳۵ مقنن اصطلاح «عدواناً» را که در ماده ۳۶۴ قانون سابق به کار رفته بود جایگزین عبارت «با انجام عمل غیر مجاز» کرده است. در خصوص معنای اصطلاحی عدوان چنین آمده است: «عدوان به معنای انجام عملی است که شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد» (قیاسی و دیگران، ۱۳۸۸). هم‌چنین واژه عدوان در ماده ۳۶۴ قانون سابق این گونه تعبیر شده بود: «عدوان در این ماده به معنای تقصیر است و شامل بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی و رعایت نکردن مقررات دولتی و شرعی می‌باشد» (زراعت، ۱۳۷۸، ج ۱، ۸۵). عبارت عمل غیر مجاز در ماده ۵۳۵ قانون مجازات نیز این چنین تحلیل شده است: «معیار تشخیص غیر مجاز بودن عمل، عواملی است مثل خروج مرتکب از حد متعارف، انجام کار بدون اذن و یا انجام کار بدون رعایت موازین و مقررات» (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶، ۷۸). «بدین-

ترتیب به نظر می‌رسد که تغییر اصطلاح عدوان و غیر عدوان به مجاز و غیر مجاز تنها تغییر در واژه به کار رفته در متن ماده است و نه تغییر در معنای آن و هر دو واژه مترادف هستند» (عابدی، ۱۳۹۳، ۹۱).

«در انتهای ماده ۵۳۵ قانون‌گذار حکم جدیدی را ذکر می‌کند که در قانون پیشین سابقه نداشته است. به این شرح که به موجب ماده ۳۶۴ قانون سابق در اجتماع اسباب عدوانی (غیر مجاز) تنها سبب مقدم در تأثیر ضامن بود و صرف تقدّم در تأثیر به‌تنهایی در تحقق ضمان کافی فرض می‌شد و فرض تبانی و وجود قصد برای هر دو سبب مورد توجه قرار نگرفته بود که بی‌تردید مصداق شرکت در قتل محسوب می‌شد. این نقیصه در ماده ۵۳۵ قانون جدید اصلاح شد (عظیم-زاده، ۱۳۹۲، ۴۳). «بر این اساس چنانچه همه اسباب طولی غیر مجاز قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند، شرکت در جرم محسوب می‌شود و همه شرکت‌کنندگان طبق قسمت اخیر ماده ۵۳۵ تحت عنوان شریک در جرم قابل تعقیب خواهند بود و اگر اسباب طولی، مرتکب عمل غیر مجاز شوند؛ اما قصد ارتکاب جرم را نداشته باشند و به عبارت دیگر عامد نباشند، بر اساس قسمت اول ماده ۵۳۵ سبب مقدم در تأثیر ضامن خواهد بود. به این ترتیب از دیگر نوآوری‌های این قانون، حکم قسمت اخیر ماده ۵۳۵ است که در مورد شرکت در جرم اسباب طولی غیر مجاز می‌باشد و مشابه این حکم در قانون سابق سابقه نداشته است» (صادقی، ۱۳۹۳، ۶۵).

«در شرح و توضیح ماده ۵۳۶ قانون مجازات نیز باید گفت که مشابه حکم قسمت اول این ماده در انتهای ماده ۳۶۴ قانون سابق وجود داشت و تنها عبارت عمل مجاز و غیر مجاز جایگزین عمل عدوانی و غیر

عدوانی شده و همان‌طور که پیش‌تر توضیح داده شد تغییر واژه‌ها تغییری در ماده ایجاد نکرده است. اما در بخش دوم این ماده فرض جدیدی بیان شده که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۰ سابقه نداشته است. طبق قسمت دوم ماده اگر دو سبب طولی که عمل یکی مجاز و دیگری غیر مجاز باشد، مرتکب حادثه یا خسارتی شوند، در صورتی که نفر دوم به زیان‌بار بودن عملش علم داشته باشد و با این وجود مرتکب آن عمل شود، هرچند عمل وی مجاز باشد، طبق قسمت اخیر ماده (و برخلاف قسمت اول ماده که مرتکب عمل غیر مجاز را ضامن می‌دانست) در اینجا نفر دوم بدون لحاظ مجاز یا غیر مجاز بودن عملش ضامن خواهد بود» (جدیدی داورآبادی و دیگران، ۱۳۹۶، ۵). مثل موردی که «کودکان برای بازی، سنگی را در کوچه به‌عنوان دروازه فوتبال قرار داده‌اند و پس از بازی، آن را به همان حال رها می‌کنند و می‌روند. زید که ملکش در کنار کوچه بوده و دیوار و حصار ندارد، چاهی را در کنار سنگ و در ملک خودش حفر می‌کند؛ در حالی که توجه دارد که اگر در ملک خود چاه حفر بکند، احتمال برخورد نابینا یا عابر با سنگ و سقوط او در چاه زیاد است، باین حال اقدام به حفر چاه کرده است. عابری به سبب برخورد با سنگ، به چاه سقوط می‌کند و صدمه می‌بیند. در این مورد ضمان بر عهده‌ی حفرکننده‌ی چاه است و حال آن‌که عمل وی مجاز است؛ زیرا در ملک خود اقدام به حفر کرده است؛ ولی عمل کودکان که در کوچه سنگ گذاشته‌اند مصداق اضرار به طریق و عملی غیر مجاز است. علت ضمان حفرکننده چیزی نیست جز آنکه عرف، بروز حادثه را به او منتسب می‌داند؛ زیرا با توجه به خطر آسیب دیدن دیگران،

بدون نگه داشتن جانب احتیاط، اقدام به حفر چاه کرده است» (علی دوست و دیگران، ۱۳۹۱، ۷۳).

«باید گفت ضرر نهایی در اسباب طولی به سبب اول مستند نیست، بلکه به همه اسباب مستند است، مگر اینکه سبب اول خود موجب خسارت نهایی شده و اسباب بعدی در میزان زیان اثر نداشته باشند. با این لحاظ می‌توان گفت در اسباب طولی، زیان نهایی به تمام اسباب مستند می‌شود و همه دارای مسئولیت‌اند؛ مگر اینکه ثابت شود سبب یا اسبابی در میزان خسارت تأثیری نداشته است» (حکمت‌نیا، ۱۳۸۶، ۹۷). «انتظار می‌رود رویه قضایی و پزشکی قانونی در مورد مسئولیت اسباب متعدد طولی، دچار اختلاف و تردید شوند و به مقتضای عدالت و انصاف و برخلاف ظاهر قانون، به تقسیم مسئولیت بین اسباب متعدد طولی که حادثه به آنان منتسب باشد، حکم کنند و نظریه سبب مقدم در تأثیر مانند سابق مهجور و متروک باقی بماند» (عابدی، ۱۳۹۳، ۴۳).

به نظر می‌رسد حکم مقرر در مواد ۵۳۵ و ۵۳۶ ق.م.ا. با اصول حقوقی چندان هم‌خوانی ندارد و پیشنهاد می‌شود تفسیر مضیقی از آن‌ها صورت گیرد و اختصاص به خسارت بدنی یابد یا ناظر به فرضی شود که سبب مقدم در تأثیر، سبب متعارف و اصلی در وقوع خسارت محسوب شود. ممکن است گفته شود از آنجا که رابطه استناد امری عرفی است، ضوابط احراز آن برآمده از تفاهم عرفی است. قانون‌گذار تشخیص آن را به قاضی سپرده است تا با رجوع به عرف، در هر دعوی، بهترین ملاک قرین عدالت را استنباط کند و به کار گیرد و هم‌چنان که جواز رجوع به منابع شرعی در موارد سکوت قانون، به‌منزله واگذاری امر تقنین به دادرسان قلمداد نمی‌

شود، رجوع به عرف به‌عنوان یکی از منابع استنباط قواعد عرفی نیز تقنین محسوب نمی‌شود. درحالی‌که اولاً، اطلاق احاله این امر به عرف، در مواردی که احکام رابطه استناد، در منابع شرعی منصوص است - مانند امساک در قتل - مغایر با موازین دینی و اصول قانونی است. دوماً، قیاس جواز رجوع به عرف در این - باره با تکلیف به رجوع به منابع شرعی و فتاوی معتبر بلاوجه است. زیرا احاله به فقه، احاله به قاعده موجود و ضابطه معین است و دادرسان به دستور قانون‌گذار در موارد سکوت قانون صرفاً مکلف به کشف حکم موضوع شده‌اند. ولی احاله به عرف در ما نحن فیه، در واقع واگذاری جعل قاعده مناسب به قاضی است، بدون آنکه در این امر بر وحدت معیار عرفی در موارد مشابه، تأکید شود. زیرا در صورت باور به وجود ضابطه‌ای واحد نزد عرف، قانون‌گذار، خود، استنباط فهم عرف می‌کند و آن را نظم می‌بخشید؛ نه آنکه این مهم را به قاضی واگذار کند و موجبات اتخاذ قواعد متفاوت در موضوع واحد و پریشانی امر قضا را فراهم سازد.

۵-۱-۲-۲. اجتماع اسباب متعدد عرضی

«گاهی اتفاق می‌افتد که چند سبب در عرض هم و به‌طور هم‌زمان بدون اینکه تأثیر هر کدام از آن‌ها متوقف بر وجود عامل دیگر باشد و بدون اینکه وجود یکی شرط تأثیر دیگری باشد، در وقوع جنایت مداخله می‌نمایند، به‌نحوی که جنایت حاصله ناشی از فعل همه آن‌ها و مستند به همه اسباب می‌باشد. موضوع ماده ۵۳۳ در مورد شرکت در تسبیب است. با این توضیح که اگر چند سبب مجتمعاً باعث وقوع آسیب یا خسارتی بر دیگری شوند؛ به‌طوری که

جنایت و آسیب به همه آن‌ها مستند باشد آن را شرکت در تسبیب گویند مانند آنکه چند نفر با شهادت دروغ خود باعث شوند قاضی حکم به قصاص یا اجرای حد در مورد کسی بدهد یا آنکه چند نفر باهم شخصی را با تهدید مجبور به ارتکاب جنایتی نمایند» (قیاسی، ۱۳۸۶، ۷۶).

«قانون‌گذار در بحث تعدد اسباب عرضی از نظر مشهور پیروی کرده است، به‌طوری که در ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۰ چنین مقرر شده بود که هرگاه چند نفر باهم سبب آسیب یا خسارتی شوند به‌طور تساوی عهده‌دار خسارت خواهند بود». در ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ نیز مقنن از همان شیوه قانون سابق تبعیت کرد. به‌موجب این ماده: «هرگاه دو یا چند نفر به‌نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند به‌طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به‌طور مساوی ضامن می‌باشند» (صادقی، ۱۳۹۱). «ماده ۵۳۳ تفاوتی با ماده ۳۶۵ قانون سابق ندارد و همان حکم ماده ۳۶۵ دوباره تکرار شده است. قانون‌گذار در مواد مذکور بدون در نظر گرفتن میزان مشارکت هر یک از اسباب در وقوع حادثه، میزان ضمان را به‌نحو مساوی مقرر نموده است. این مطلب به این معناست در صورتی که در بروز جنایتی شرکت به‌نحو تسبیب باشد، همه شرکا که آسیبی یا خسارت به رفتار آن‌ها مرتبط می‌شود و هر یک به‌نحوی در آن دخالت داشته باشند، مسئولیت اشتراکی متساوی بار می‌شود» (صادقی، ۱۳۹۳، ۳۷). در نقد این حکم مقنن گفته شده است: «به فرض آنکه همه سبب‌ها را ضامن بدانیم، نمی‌توان همه را در یک حد و به‌صورت

مساوی ضامن دانست؛ بلکه باید دید هر سبب چند درصد در وقوع جنایت سهیم است و با توجه به آن، میزان مسئولیت را تعیین کرد» (زراعت، ۱۳۷۸، ج ۱، ۴۵). «بنابراین هرچند حکم مقنن به‌تساوی در ضمان برای تسهیل دادرسی مفید است و دادرس را از رسیدگی به میزان دخالت هر یک از اسباب و عوامل مؤثر در آن معاف می‌کند؛ ولی با مبانی کلی پذیرفته‌شده توسط مقنن در مورد تجزیه سببیت و توزیع خسارت منافات دارد. چرا که مقنن در مواد پیشین در بحث اجتماع سبب و مباشر، طبق ضابطه انتساب عرفی و ضمان نسبی حکم به مسئولیت عوامل بر اساس میزان دخالت و تأثیر آن‌ها نموده؛ اما در بحث اجتماع اسباب از این ملک پیروی نکرد و طبق نظر مشهور حکم به‌تساوی در ضمان نموده است. شایسته بود قانون‌گذار با تکیه بر ضابطه استناد عرفی در بحث تسبیب، شیوه و ملکی یکسان اتخاذ می‌نمود» (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ج ۲، ۴۶۳). بنابراین مطابق ماده ۵۳۳ قانون فعلی همه اسباب به‌طور مساوی ضامن خسارت و آسیب خواهند بود خواه میزان تأثیرشان مساوی باشد خواه متفاوت.

هم‌چنین در تحلیل ماده ۳۶۵ قانون سابق چنین بیان شده است: «گرچه ماده مزبور در ظاهر بدون توجه به میزان تقصیر اسباب مختلف آن‌ها را به‌طور مساوی مسئول می‌دان؛ اما نباید فریب این ظاهر را خورد. در واقع، مفاد ماده ناظر به موردی است که نتوان تأثیر هریک از اسباب را ثابت کرد. به‌عبارت دیگر، ماده مزبور از نظر ثبوتی حکمی ندارد؛ ولی در مرحله اثبات، نوعی اماره اثباتی ایجاد می‌کند و دادرسی را در این باره برای دادرس آسان می‌کند. چه به استناد این اماره دادرس به تأثیر هر یک از سبب‌ها

می‌شود و این نظریه به نقش سایر عوامل و میزان تأثیر آن‌ها توجهی ندارد. پس مطابق این نظریه همه عوامل مختلفی که در حدوث نتیجه نقش و مشارکت داشته باشند، علت حصول آن قلمداد می‌شوند و مانند آن است که همه عوامل مختلف در حدوث نتیجه ممنوع نقش مساوی و هم‌کفو ایفا کرده‌اند. چنان‌که امکان اینکه یکی از عوامل را بر دیگری ترجیح دهیم یا عاملی را از گردونه علل خارج کنیم، وجود ندارد.

«بر این مبنا عملکرد جانی علت نتیجه قلمداد می‌گردد. هرچند عوامل متعددی در بروز این نتیجه نقش داشته باشند، خواه آن عوامل مسبوق به رفتار متهم بوده (مانند مریض بودن مجنی علیه یا معلولیت جسمانی او) یا هم‌زمان با آن (حدوث ایست قلبی هم‌زمان با اصابت ضربه) یا بعد از عمل او (مانند اشتباه پزشک در درمان قربانی) ایجاد شده باشند» (سلیمان عبدالمنعم، ۲۰۰۳، ۴۸۴). در واقع از دیدگاه قائلان این نظر علت چیزی جز یک «علت اگر نبود» (مایکل جفرسون، ۲۰۰۱، ۴۳). یا «شرط ضروری» (هارت؛ اونور، ۲۰۰۲، ۳۷-۳۰) که حقوق دانان انگلیسی به آن «علت حقیقی» (ویلیام ویلسون، ۱۹۹۸، ۹۷) یا «علت مادی» (جانانان هرینگ، ۲۰۰۴، ۹۸) گفته‌اند، نیست. به این ترتیب سبب هم، علت حادثه قلمداد می‌شود.

۵-۳-۲. مجرمیت در تعدد اسباب

«در حقوق کیفری انگلستان مهم‌ترین نظریه رایج برای گزینش علت قانونی یک صدمه جزائی، در فرض اجتماع طولی علل و اسباب، نظریه علت مداخله‌گر است. گاهی در وقوع جرائم مقید یک سلسله اعمال

و در نتیجه مسئولیت مساوی آن‌ها حکم صادر می‌کند، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود» (اصغری، ۱۳۸۵، ۳۲).

بنابر آنچه گفته شد تأثیر متفاوت اسباب عرضی در پیدایش حادثه مسئله‌ای بعید نیست. بهتر بود قانون-گذار فرضی را که تأثیر اسباب متفاوت باشد نیز در نظر می‌گرفت.

۵-۳-۳. مجرمیت در تعدد اسباب در حقوق انگلیس

در ادامه موضوع مجرمیت در تعدد اسباب در حقوق انگلیس توضیح داده می‌شود.

۵-۳-۱. مجرمیت در اشتراک اسباب

مهم‌ترین نظریه در حقوق انگلیس در اشتراک اسباب، نظریه شرط ضروری است. لنارت اکویست و فیلیپ ملوک عقیده دارند، مبنای ورود این نظریه به قلمرو حقوق دیدگاه‌های استوارت میل است، ایشان می-گویند: «رویکرد فلسفی میل از این نظریه حمایت می‌کند که می‌گوید علت یک واقعه حاصل جمع تمام شرایطی است که مجموع آن‌ها برای پیدایش معلول، لازم و کافی بوده است؛ به نحوی که توالی قطعی و غیر مشروط [معلول] از علت دیده می‌شود» (لنارت آکویست؛ فیلیپ مولاک، ۱۹۸۹، ۱۷). بنا به این نظریه که در منابع عربی تحت عنوان نظریه تعادل الاسباب یا الاسباب المتکافئه آمده است، اگر عملکرد مجرم در قسمتی از مراحل ایجاد نتیجه نقش و مشارکت داشته باشد، علت حصول آن قلمداد

نیروی فعال دیگری و به‌نحو مستقیم با صدمه ارتباط داشته باشد. با وجود این حتی در صورتی که علت مداخله‌گر وجود داشته باشد، ممکن است علت بعید، باز هم از لحاظ کیفری مسئول شمرده شود (گودوین، ۲۰۰۴، ۱۴۵۹).

با وجود آنکه اصولاً عامل علت مجاور صدمه، مسئولیت کیفری دارد؛ این مسئولیت او و یا حتی عدم مسئولیت او مانع مسئول شناختن انسان دیگری که با ارتکاب عمل و یا ایجاد علتی با معلول فاصلهٔ علی دارد، نخواهد بود؛ به‌ویژه هرگاه ترتب علت بعدی بر عمل متهم، قابل پیش‌بینی و یا طبیعی بوده باشند. به‌بیان دیگر دخالت علت بعدی که فاقد استقلال علی از عمل متهم هستند، معمولاً زنجیرهٔ علیت را قطع نمی‌کنند و تنها علت مداخله‌گر مستقل موجب قطع زنجیرهٔ علیت می‌شوند. لازم به ذکر است که نگارنده نظریهٔ علت مداخله‌گر را پاسخ‌گوی عمده‌ترین ابهامات علیتی تشخیص داده است و از بین تمام نظریه‌های مطروح این نظریه را واجد بیشترین قابلیت‌ها برای حل و فصل مجادلات علیتی در فرض اجتماع زنجیری یا طولی علت و اسباب می‌داند. به همین دلیل با محوریت این نظریه و پردازش آن می‌توان به کیفیات قطع زنجیرهٔ علیت و انواع علت مداخله‌گر و اثر دخالت آن‌ها توجه کرد. به این منظور ابتدا ویژگی‌های زنجیرهٔ علیت فعال یا غیر مقطوع بررسی می‌شود.

۵-۳-۱. زنجیرهٔ علی فعال

گاهی بعد از عملکرد متهم اتفاقاتی رخ می‌دهد که موجب قطع زنجیرهٔ علیت و خروج آن از فعالیت

و وقایعی رخ می‌دهند که به‌نحو پیاپی و متوالی به دنبال هم هستند و موجب تقویت همدیگر می‌شوند، یا آن‌که اساساً ارتباطی با همدیگر ندارند و نهایتاً یکی از آن‌ها موجب تحقق صدمه می‌شود» (اسمیت؛ هوگان، ۱۹۸۶، ۳۴۳). بحث حاضر با اجتماع علت به شکل تساوی که در حقوق ایران بحث شد، تفاوت اصولی دارد. چرا که در اجتماع ملل به‌شکل تساوی که در شرکت در جرم صدق می‌کند، صدمه بر اثر تلفیق آثار اعمال شرکا رخ می‌دهد؛ اما در موضوع اجتماع متوالی علت، اجتماع در اثرگذاری وجود ندارد؛ ولی ممکن است هر علت مقدم برای تحقق علت بعدی خود شرطی ضروری باشد و نهایتاً یکی از علت که علت مجاور هست موجب نتیجه می‌شود. این علت بعدی که پس از عمل انسانی انجام می‌شوند، گاهی به‌نوعی در گسستن رابطهٔ علیت مؤثر واقع می‌شوند و از این حیث دیگر نمی‌توان علت متقدم را علت قانونی تحقق صدمه شمرد. در حقوق کیفری انگلستان علت قانونی علی‌القاعده همان علت نزدیک علت مستقیم یا علت بی‌واسطه است. با وجود این مطابق نظریهٔ علت مداخله‌گر گاهی در صورت توالی علت، علت مستقیم فاقد شرایط تحمیل مسئولیت است و حقوق کیفری علت دور را به‌عنوان علت قانونی بر می‌گزیند. در چنین شرایطی کماکان علت مسئول به‌عنوان علت مستقیم صدمه شناسایی می‌شود. به‌بیان دیگر برخلاف حقوق کیفری ایران که در مقولهٔ علیت، توصیفات علی و انقسامات علت، بر مبنای معیارهای مادی علی صورت می‌گیرد، مهم‌ترین معیار تمایز و تفکیک علت در حقوق انگلیس، سرزنش-پذیری و استحقاق مسئولیت است. در همین راستا گفته شده است: «به‌روشنی علت نزدیک بر موردی صدق می‌کند که عمل (متهم) بدون وساطت هیچ

لازمه احراز مسئولیت علیتی است، برشمرد. عمده این شرایط عبارت‌اند: از ضروری بودن، مجاورت، اساسی بودن، کفایت و فعال بودن آثار علی عمل متهم و زنجیره علیت میان آن عمل با صدمه نهایی. مراد از ضروری بودن آن است که عمل متهم در ایجاد و تحقق صدمه نقش حقیقی داشته باشد. معیار احراز این نقش، اصولاً اگر آزمایشی علی است. یعنی باید احراز شود که در غیاب عمل متهم صدمه رخ نمی‌داد. البته در چنین اجتماعی احراز نقش واقعی و تأثیر عینی عمل در حدوث و یا کیفیت یا زمان و مکان تحقق صدمه کافی است.

به بیان دیگر حتی اگر عمل متهم برای تحقق صدمه ضروری نباشد؛ اما در وقوع آن اثر عینی داشته باشد، باز هم حقوق کیفری به آن عمل به دیده علت می‌نگرد. به بیان دیگر گاهی گرچه عمل متهم شرط ضروری تحقق صدمه نیست، ولی وقوع آن را ضروری کرده است. یعنی در جوار علت یا علی با کفایت دیگری که هر کدام به تنهایی واجد کفایت علی برای حدوث صدمه بوده‌اند، در حدوث نتیجه ایفای نقش کرده است. در این موارد عمل متهم علت صدمه به-شمار می‌آید.

منظور از اینکه عمل متهم باید نقش اساسی در ایجاد نتیجه داشته باشد آن است که عرفاً آثار ضعیف و قابل اغماض در گستره قضاوت علی نادیده گرفته می‌شود. مثلاً اگر کسی با چاقو به گردن دیگری ضربه بزند و دیگری انگشت قربانی را قطع کند و شواهد پزشکی نشان دهد که وی بر اثر خون‌ریزی مرده است، عرفاً مرگ به خون‌ریزی ناشی از ضربه چاقو و نه قطع انگشت نسبت داده می‌شود.

می‌شود. بحث را با یک مثال ساده می‌توان مطرح کرد. فرض بر این است که قربانی الف دو دشمن دارد که هر کدام مستقلاً و بی‌خبر از وجود دیگری تصمیم به قتل او گرفته‌اند. دشمن شماره ۱ با چاقو به سینه وی می‌زند و دشمن شماره ۲ چند ثانیه بعد از آن با گلوله به مغز وی شلیک می‌کند. در این مثال معمولاً قاتل شخص دوم قلمداد می‌شود؛ زیرا عمل وی موجب قطع رابطه علیت می‌شود و زنجیره علی در حال قوام میان فعل دشمن شماره ۱ با مرگ، قبل از تکامل، به افول و خاموشی می‌گراید. در مقابل عمل شخص دوم خود مستقلاً موجب مرگ می‌شود. در همین راستا قسمت a.b.c ۲ از شرط ۱۷ قانون جزای انگلستان و ولز، پیشنهادی کمیسیون حقوقی ۱۷۷ در سال ۱۹۸۹، حاوی این موضوع است؛ قسمت دوم از شرط ۱۷ قانون پیشنهادی انگلستان و ولز مقرر می‌دارد: «..... (۲) هرگاه بعد از آنکه متهم عملی را مرتکب شد یا انجام وظیفه‌اش را ترک نمود، یک عمل یا حادثه‌ای اتفاق می‌افتد که:

الف) فی النفسه علت کافی و بی‌واسطه نتیجه باشد و ...

ب) متهم آن را پیش‌بینی نکرده باشد و ...

ج) در آن موقعیت و اوضاع و احوال این علت دخیل به‌طور معقولی قابل پیش‌بینی نبوده باشد، آن شخص دیگر علت نتیجه به‌شمار نخواهد رفت».

از تطبیق و مقایسه هر دو مستند فوق می‌توان دریافت که شرط مسئولیت علیتی، استمرار رابطه علیت و عدم انقطاع آن به وسیله علت مداخله‌گر است. هم در ایران و هم در انگلستان می‌توان شرایط و اوصافی را برای یک رابطه علی فعال و غیر منقطع که

صدمه استفاده نمی‌کنند. به همین خاطر دادگاه استیناف در دعوی هنیگان راهنمایی ارائه‌شده توسط قاضی بدوی به هیئت منصفه را مبنی بر اینکه اگر عمل متهم بیش از ۲۰٪ در وقوع صدمه مؤثر بوده باشد، علت به حساب می‌آید، نادرست اعلام کرد (جاناتان هرینگ، ۲۰۰۴، ۹۹).

۵-۳-۲. مداخلهٔ ارادی ثالث

از دیدگاه حقوق‌دانان انگلیسی هارت و هانوره: «به‌طور معمول دخالت آزادانه، عمدی و آگاهانهٔ شخص دوم که به‌قصد بهره‌بری از موقعیت ایجادشده توسط شخص اول؛ اما بدون مواضعه با او انجام شده، فاعل نخست را از مسئولیت کیفری مبرا می‌کند. با این حال می‌باید میان وضعیتی که رفتار عامل نخست در قالب اوضاع و احوال برای تحقق صدمه کافی بوده با آن وضعیتی که بدون دخالت و همراهی عمل عامل دوم فاقد کفایت بوده، قائل به تفکیک شد» (هارت؛ اونور، ۲۰۰۲، ۳۲۶). اصولاً هرگاه عمل عامل اول برای تحقق نتیجه کافی باشد؛ ولی عملاً عامل دوم مانع تحقق عینی صدمه در اثر عامل اول شود، دیگر عامل اول علت حقیقی و قانونی صدمه نخواهد بود، مگر آنکه برای تحقق آن شرطی ضروری باشد و یا موجب پیدایش علت ثانوی شده باشد. اما هرگاه نیروی علی عامل نخست در تلاقی با عامل دوم مجتمعاً موجب صدمه شده باشند، هر دو عامل مسئولیت علیتی و قانونی خواهند داشت. مداخلهٔ ارادی گاهی از طرف شخص یا اشخاص دیگری غیر از متهم اصلی و قربانی و گاهی توسط خود مجرم اصلی و گاهی به‌وسیلهٔ خود قربانی صورت می‌گیرد (اسمیت؛ هوگان، ۱۹۸۶، ۳۴۱).

معمولاً پزشکان قانونی نیز در پرونده‌های قتل از علل جزئی مؤثر در وقوع مرگ صرف‌نظر می‌کنند و علتی را که از دیگر علل مؤثرتر و قوی‌تر بوده است، به‌عنوان علت اعلام می‌کنند. این مهم در حقوق انگلیس به‌عنوان یکی از اوصاف علت. قسمت a (۱) شرط ۱۷ قانون جزای انگلیس و ولز پیشنهادی کمیسیون حقوق با این تأکید که: «متهم عملی انجام داده باشد که واجد اثری بیش از یک نقش جزئی در تحقق نتیجه باشد» مورد توجه قرار گرفته است. با این حال تشخیص اینکه سهم اساسی چیست و چه معیاری برای تشخیص آن وجود دارد، امری است نسبی و به همین خاطر ارائهٔ معیار دقیقی در خصوص آن مقدور نیست. در همین راستا دادگاه استیناف انگلستان در دعوی هنیگان ۱۹۷۱ چنین رأی داد: «که مشروط به آنکه مداخلهٔ متهم در وقوع حادثه مؤثر بوده، باشد او از لحاظ جزائی مسئول است». به تبعیت از این رأی در دعوی نتمن ۱۹۹۴ نیز چنین مقرر شد: «هر گونه رفتاری که فراتر از مداخله‌ای جزئی و ناچیز در تحقق جرم باشد برای تحقق مسئولیت کافی است». در دعوی چشیر (۱۹۹۱) نیز چنین مقرر شد: «که عمل متهم باید یک علت اساسی نتیجه بوده باشد؛ یعنی آنکه باید با نتیجهٔ نهایی به‌نحو قابل توجهی و نه با ارتباط جزئی ناچیز مرتبط باشد».

هم‌چنین در دعوی کاتو ۱۹۷۶ در همین باره چنین حکم شد که: «نقش علی عمل متهم در حدوث نتیجه باید بیش از سهمی غیر اساسی یا بی‌اهمیت باشد» (پنی‌چایلدز، ۲۰۰۵، ۶۷-۶۵). لازم به ذکر است که دادگاه‌های انگلیسی برخلاف محاکم ایرانی در باب علیت کیفری از کمیته‌ای ریاضی برای تشخیص میزان سهم عمل یک شخص در وقوع

چنانچه کسی غیر از متهم اولیه و قربانی به‌نحو مجرمانه‌ای در فرآیند وقوع یک زیان جزایی دخالت کند، اصولاً موجب قطع رابطه علیت و انتفای مسئولیت عامل نخست می‌شود. در دعوی انگلیسی اسمیت علیه دولت، متهم به‌نحو بطئی قربانی را مجروح کرد و پس از آن پزشک در مقام معالجه و درمان قربانی وی را عمداً به قتل رساند. در این دعوی چنین حکم صادر شد که «این مداخله عمدی پزشک، متهم را از مسئولیت کیفری قتل مبرا می‌کند» (مایکل اس مور، ۲۰۰۶، ۲) به‌روشنی در این دعوی استقلال عمل عمدی پزشک را از ایراد جرح توسط متهم اولیه درک می‌کنیم. به همین دلیل پزشک قاتل عمدی تشخیص داده شد. همان‌طور که سابقاً و در مبحث راجع به معاونت در جرم نیز توضیح دادیم، تنها مداخله فعال مسئولیت کیفری در خصوص یک عمل مجرمانه می‌شود و صرف سکوت مداخله مجرمانه نیست تا بتواند موجب مسئولیت شخص ساکت و یا رافع مسئولیت سایر متهمان شود.

در حقوق انگلیس در حالت اجتماع و تراحم علل در وقوع جرم اثبات قابلیت سرزنش می‌تواند در انتساب مسئولیت علیتی از اهمیت اساسی برخوردار باشد. البته این امر به آن معنا نیست که گفته شود در فرض عدم وجود فاعل قابل سرزنش، امکان انتساب مسئولیت علیتی وجود ندارد. از سوی دیگر کسانی که از نگاه ما مستحق سرزنش هستند، لزوماً مسئولیت علیتی ندارند. قواعد سه‌گانه مذکور در پاراگراف فوق حاوی اصول سه‌گانه احراز علیت است. ما اعمال این اصول را در آرای زیر مشاهده می‌کنیم. در یک دعوی انگلیسی؛ «الف» و «ب» دو دزد بودند که به‌صورت تفریحی خودرو سرقت می‌کردند، بدون

اعتنا از یک ایست بازرسی ارتش در ایرلند شمالی عبور کردند. اگرچه آن‌ها، هیچ کار مجرمانه دیگری انجام ندادند و خطری متوجه سربازان ایست بازرسی نکردند؛ ولی برخلاف مقررات از سوی سربازان مورد شلیک گلوله قرار می‌گیرند. در این میان بر اثر سروصدای گلوله‌ها، سرباز دیگری یعنی «ج» که در محل نگهداری‌اش خواب بوده است، یک‌ه خورد است و وحشت‌زده شده است و به‌طور اتفاقی با اسلحه‌اش شلیک کرده است. گلوله خارج‌شده از اسلحه وی موجب مرگ «الف» شد؛ ولی گلوله‌های دیگر سربازان به هدف اصابت نکرد. در این دعوی «الف» و «ب» اگرچه قابل سرزنش بودند و اعمال آن‌ها شرط ضروری وقوع مرگ مقتول از طریق شلیک گلوله «ج» بود؛ ولی قاتل و مسئول مرگ مقتول شناخته نشدند. باین‌حال و با وجود آنکه «ج» قابل سرزنش نبود و درجه قابلیت سرزنش وی کمتر از «الف» و «ب» بود، به اتهام قتل غیر عمدی محکوم شد (ویلیام ویلسون، ۱۹۹۸، ۹۵).

نکته مهم دیگر در بحث مداخله ارادی و مجرمانه ثالث در تحقق مسئولیت کیفری انگلیس، بحث ترک فعل ارادی است. اصولاً ترک فعل در صورتی که مؤخر بر فعل مجرمانه صادر از شخص دیگری باشد، رابطه علیت را قطع نمی‌کند. برای مثال اگر «الف»، «ب» را در اتاقی زندانی کند و «ج» با علم به این موضوع و بدون آنکه خطری وی را تهدید کند و با وجود داشتن امکانات امداد، از دادن غذا به محبوس یا باز کردن در محبس خودداری کند، ترک وظیفه نمی‌تواند موجب قطع رابطه علیت شود؛ زیرا همان‌گونه که گفته شد، ترک فعل فاقد نیروی علی لازم برای ایجاد انحراف در مسیر زنجیره علیتی است که

با فعل مجرمانه دیگری آغاز به پویش و سیر به‌سوی تحقق نتیجه کرده است. در نتیجه با وجود ترک فعل در چنین مواردی باز هم علت مرگ همان عمل متهم اولیه، یعنی حبس کردن در یک مکان بدون آب و غذا اعلام می‌شود. به‌بیان دیگر هرگاه قبل از ترک وظیفه توسط متهم، شخص دیگری قربانی را یا شیء موضوع جرم را در وضعی قرار داده باشد که خطری آن را تهدید می‌کند و متهم امکان اخراج قربانی یا آن شیء را از معرض خطر داشته باشد، ولی از مداخله و امداد و نجات استنکاف کند، اجتناب از مداخله را نباید علت مداخله‌گر قلمداد کرد.

۶. نتیجه

احراز رابطه سببیت بین رفتار و نتیجه مجرمانه به‌عنوان یکی از اجزای تشکیل‌دهنده عنصر مادی جنایات و نیز میان فعل زیان‌بار و خسارت واردشده به‌عنوان یکی از ارکان مسئولیت مدنی مبتنی بر یک الزام قانونی است؛ اما مشکل در طریقه احراز این انتساب است؛ به‌ویژه در مواردی که چند عامل در وقوع جنایت یا خسارت مداخله می‌کنند و نحوه دخالت نیز طولی (غیر هم‌زمان) باشد. قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در مقام بیان ضابطه، در تشخیص عامل ضامن، در موارد اجتماع سبب و مباشر، بی آنکه ملاک روشنی تعیین کند، ظاهراً ضابطه را به تفاهم عرف واگذار کرده است و این به آن معنی است که احراز رابطه استناد در اجتماع سبب و مباشر، برخلاف اجتماع اسباب «ماده ۵۳۵» از ضابطه واحدی تبعیت نکرده است؛ بلکه دادرس می‌تواند در هر دعوی و متناسب با شرایط آن به معیار متفاوتی متوسل شود. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با

وجود تلاش و تکاپوی جدی برای حل مشکل رابط سببیت در ماده‌های گوناگون، در مجموع کامیاب نبوده است و نقصان‌هایی در این رابطه مشهود است. مهم‌ترین مشکل، فقدان معیار واحد و تجویز راهکارهای متعدد برای احراز سببیت است. قاعده کلی و یک‌دست برای حل مشکل سببیت وجود ندارد و بسته به نوع و کیفیت مداخله مرتکبان، مسئولیت آن‌ها بر اساس ماده‌های مورد بحث تعیین می‌شود. به نظر می‌رسد، معیاری که در ماده ۵۲۶ ق.م.ا در ذیل طرح اجتماع سبب و مباشر مورد تجویز قانون‌گذار قرار گرفته است، از جهاتی منطقی و قابل دفاع باشد. اگر این ماده عمومیت پیدا کند و به همه حالت‌ها اعم از تعدد مباشر و تعدد اسباب تسری یابد، ضابطه معقولی به‌دست خواهد آمد. راهکار تجویز شده در ماده مزبور به‌ویژه از آن‌رو که تفاوت تأثیر رفتار مرتکبان را در پرداخت دیه مؤثر دانسته است، عادلانه و منصفانه است. کاربست این ماده به‌عنوان یک ضابطه واحد و سرایت آن به همه حالت‌ها، ضمن آنکه رابطه سببیت را به‌عنوان موضوعی عینی و مبتنی بر اوضاع و احوال خارجی که مستلزم جلب نظر کارشناس است، در نظر می‌گیرد، تشتت و پراکندگی را از میان بر می‌دارد. با این حال، در وضعیت حاضر برای احراز رابطه سببیت باید به نوع مداخله عوامل و اینکه نوع رفتار مرتکبان در قالب تعدد اسباب است یا تعدد مباشر و یا اجتماعی از هر دو، توجه کرد و سپس با استناد به ماده‌های مورد بحث راهکار مربوطه را تجویز کرد.

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش، تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

فارسی

و عوامل متعدد در خطاهای پزشکی»، شیراز، چهارمین همایش سراسری طب و قضا، ۱۳۹۳

- عظیم‌زاده، شادی، حقوق جزای اختصاصی، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات دوران‌دیشان، ۱۳۹۲.

- علی‌دوست، ابوالقاسم؛ علیبای، حسین، «معیار ضمان»، نشریه فقه اهل‌بیت، شماره‌های هفتاد و هفتادویکم، ۱۳۹۱.

- فروتن، دکتر مصطفی؛ راستایی، زهرا؛ «مسئولیت کیفری سبب اقوی از مباشر در حقوق کیفری ایران و انگلستان»، مجله حقوق و مطالعات نوین، شماره پنجم، زمستان ۱۴۰۰.

- قیاسی، جلال‌الدین، تسبیب در قوانین کیفری، چاپ دوم، تهران، انتشارات، جنگل، ۱۳۸۶.

- قیاسی، جلال‌الدین؛ ساریخانی، عادل؛ خسروشاهی، قدرت، مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی، چاپ اول، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.

- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری)، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.

- مهر، نسرین؛ نوروزی، بهروز، «سیاست‌گذاری ارکان مسئولیت کیفری در حقوق ایران و انگلستان با نگرشی بر نظرات امام خمینی (س) و دیگر فقها»، مجله پژوهش‌نامه متین، شماره چهل‌وهشتم، پاییز ۱۳۹۸.

- اصغری، شهرام، «تأثیر میزان تقصیر در مسئولیت مدنی در فقه امامیه و حقوق ایران»، نشریه پژوهش-نامه حقوق و علوم سیاسی، شماره‌های دوم و سوم، ۱۳۸۵.

- جدیدی داوودآبادی، قاسم؛ صبوری‌پور، مهدی، «معیار رابطه سببیت در فرض تعدد عوامل در وقوع جرم»، تهران، نخستین کنگره بین‌المللی حقوق ایران با رویکرد حقوق شهروند، ۱۳۹۶.

- زراعت، عباس، شرح قانون مجازات بخش دیات، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۷۸.

- سورانی، محمدجواد، «مطالعه تطبیقی مسئولیت کیفری مستقیم و نیابتی اشخاص حقوقی در نظام حقوقی ایران و انگلستان»، مجله آرا، شماره پانزدهم، زمستان ۱۳۹۸.

- صادقی، محمدهادی، جرائم علیه اشخاص، چاپ هجدهم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۱.

- صادقی، محمدهادی، «اجتماع سبب و مباشر در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، مجله مطالعات حقوقی، شماره دوم، ۱۳۹۳.

- صفایی، سیدحسین؛ رحیمی، حبیب‌الله، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، چاپ دهم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۶.

- عابدی، محمد، «معمای تعدد اسباب در قانون مجازات اسلامی با تأکید بر مسئولیت مدنی اسباب

- Michael S. Moore, s, causing and Excuses, Journal California Law Review, Vol, 73, 2006.

- Penny Childs, Nutcases Criminal law, First Edition, London, Publication Maxwell, 2005.

- Smith J c, and Brian Hogan, Criminal law- cases and Materials, Third edition, London, Butter worths, 1986.

- William Wilson, criminal law (Doctrine and Theory), Second edition, London, Longman Publisher, 1998.

- میرمحمد صادقی، حسین، جرائم علیه اشخاص، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶

عربی

- خویی، سید ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، جلد دوم، قم، مؤسسه احیاء آثار امام خویی، ۱۴۳۰.

- عبدالمنعم، سلیمان، النظرية العامة لقانون العقوبات، بیروت-لبنان، منشورات الحلبي الحقوقية، ۲۰۰۳.

- نجفی، شیخ محمدحسن، جواهر الکلام، جلد چهل و یکم و چهل و سوم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.

لاتین

-Aqvist, Lennart and Philip Mullock, Philip Causing Harm, First Edition, Anonymous publications, new york, 1989.

- Goodwin Schiesl Laura, "causation in California Homicide", Journal Law Review, Vol, 36, 2004, pp; 1453-1478

-Hart, H.L.A. & Honore, Tony, Causation in the Law, First Edition, Oxford, Oxford University Press, 2002, p; 325-357.

-Jonathan Herring, Criminal law (Text-Cases and Materials), First Edition, Oxford, Oxford University Press, 2004

-Michael Jefferson, criminal law 5ed, First Edition, England, Longman Publication, 2001.